

کند، تئاتر ما هم به گنجینه‌های ادبی مان افزوده می‌شود و بی‌تردید، حال مردم کشورمان بهتر خواهد شد. توجه داشته باشید خیلی خوب است حال مردم بهتر شود.

◀ چرا در نمایشنامه‌های ما کاری مانند آثار شکسپیر خلق نشده، آیا پرداختن به این موضوع دغدغه کارگردان یا نویسندگان ما بوده یا خیر؟
پرداختن به این موضوع به یک صبغه تاریخی برمی‌گردد. شکسپیر از یونان باستان الهام می‌گیرد و چخوف هم همین‌طور، اما ما از این صبغه تاریخی برخوردار نیستیم. هنرمند باید اداره شود، باید به او برنامه داد و حتی اگر لازم باشد سختگیری‌هایی هم صورت بگیرد تا بتواند راه درست را پیدا کند، ولی تا این اتفاقات صورت نگیرد همه چیز باری به هرجهت خواهد بود. تئاتر یک هنر جمعی است، بنابراین نویسنده باید بداند برای چند نفر این نمایشنامه را می‌نویسند. نکته دیگر اینکه با توجه به شرایط اکنون، نویسنده باید در محیط پیرامون خود، نویسنده‌گی

کند نه در محیط خانه. نویسنده باید با یک گروه کاربلد، بداهه‌سازی کند و تا این بداهه شکل نگیرد، اثری خلق نخواهد شد. اگرچه خودشیفتگی‌ها نمی‌گذارد اثر خوبی خلق شود. به‌طور مثال برای تولید یک اثر نیاز است از ۲۰ هنرمند درجه یک استفاده شود اما ناسازگاری این افراد در کنار یکدیگر مانع از خلق این اثر می‌شود. این موارد ضعف‌هایی است که باید آسیب‌شناسی شود و از بین برود. بار دیگر تأکید می‌کنم باید به این موضوع نگاه جدی داشت و یک برنامه‌ریزی مفصل با حضور متخصصین امر همچون جامعه‌شناس یا استاد تاریخ و موسیقی و... انجام بگیرد. همه این افراد باید در کنار یکدیگر جمع شوند تا یک کار اصولی شکل بگیرد در غیر این صورت حضور یک تعداد اندک و شاید کم‌تجربه، راهساز نخواهد بود.

◀ شما با کارگردانان بزرگی مانند استادان بهرام بیضایی، علی رفیعی، محمود استاد محمد و... همکاری داشته‌اید و به همین نسبت انتظارات از کار

شما نیز متفاوت خواهد بود، اما در حال حاضر آن بزرگان یا دیگر در بین ما نیستند یا فعالیت نمی‌کنند. بر این اساس چه میزان می‌توان به نسل جوان و امروز تئاتر امیدوار بود؛ نسلی که محضر هیچ‌یک از این اساتید را درک نکرده است؟
نمی‌توان از تمامی یک نسل انتظار خوب بودن داشت، چنانچه در نسل ما هم همین‌گونه بود و شاید دو-سه نفر کارشان را بهتر بلد بودند. ناگفته نماند نسل امروز بسیار مستعد هستند و باید از آنها مراقبت شود و نباید آنها را راه‌ها کنیم.

◀ به استعداد‌های نسل امروز اشاره کردید؛ موضوعی که در خارج از پایتخت و شهرها و شهرستان‌های کشورمان بسیار مشهود است. از دیدگاه شما چرا تئاتر در شهرستان‌ها قوی‌تر ظاهر شده است؟
به این دلیل که هنرمندان تئاتر در شهرستان متکی به خودشان هستند و به سفارشات دو نفر فرنگ‌رفته در تهران اتکالی ندارند. برخی از همین دوستان فرنگ‌رفته، مدعی‌اند فستیوال آوبینیون بسیار بهتر از تئاترهای کشورمان است. جالب است بدانید اگرچه تاریخ ادبیات و موسیقی کشورمان از قدمتی کهن برخوردار هستند، اما قدمت تئاتر در ایران بسیار کوتاه است. در واقع ما تاریخ هنر‌نمایشی نداریم. ۱۰۰ یا ۱۵۰ سال تاریخ محسوب نمی‌شود. آوبینیون یک جشنواره قدیمی با قدمت ۳۰۰۰ ساله است. نکته دیگر اینکه کارگردان یا نویسنده چنین فستیوال‌هایی از آزادی عمل بسیاری برخوردارند و می‌توانند از بطن آن متن ۳۰۰۰ ساله بهره ببرند اما در کشور ما به دلیل تجربه کم به این موضوع پرداخته نشده است. در واقع استعدادها وجود دارد اما تجربه نیست و در نهایت خروجی کار دلچسب نخواهد بود.

حدود ۴۰ سال قبل اجرایی از شکسپیر با «سه تا هملت» به روی صحنه رفت، اما ما در یک اجرای آن وامانده‌ایم. بنابراین باید برنامه‌ریزی درستی در این زمینه صورت بگیرد و ضرورت دارد دولت و مسئولان فرهنگی در این خصوص زمان بگذارند و به تکتک این موضوعات رسیدگی کنند تا یک تئاتر خوب خلق شود.

◀ سال‌ها قبل تلویزیون در زمینه معرفی تئاتر فعالیت‌های خوبی داشت و تله تئاترهایی معرفی می‌شد. بر این اساس رسانه ملی چه میزان در این باره می‌تواند مثر‌تر باشد؟
بی‌تردید رسانه ملی بسیار تأثیرگذار خواهد بود، اما در حال حاضر رسانه ملی

